جاده‌ی"روایت فتح "

شماره پرسش: ۳۷۸۵

تاریخ ارسال پرسش: ۰۶:۰۰:۰۰ ۱۳۹۱/۱۱/۳۰

متن پرسش

سلام استاد. درود بر شما به گرمای پاسخهاتان. استاد مدتی است هر زمان احساس می کنم قلبم زنگار گرفته روایت فتح را می بینم، با شهدا مانوس می شوم و اشک می ریزم و خدا می داند جقدر احساس می کنم زلال می شوم، استاد نمی دانم چرا اینقدرصدا و کلام و جنس حرفهای شهید آوینی قلبم را روشن می کند و اشکم را جاری. استاد خوب ما، ایا این ارتباطات تاثیری در روحانیت قلب دارد یا ما داریم راه را اشتباه می رویم و باید مستقیم سراغ امام حسین برویم. به نظرم می رسد من به ان شدت هنوز ظرفیت ارتباط مستقیم با خود سیدالشهداء را ندارم. استاد من اصلا نه جبهه ها را دیده ام و در زمانی که جنگ تمام شد کودک بودم اما نمیدانم چرا اینقدر قلبم در انجا حضور دارد. استاد راهنماییم کنید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: شهید آوینی با ملکوت حضرت امام خمینی«رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» آشنا شده بود و از آن زاویه به شهدایی نظر می‌اندازد که ظهور ملکوت حضرت روح الله هستند. حضرت روح اللهی که با سیر و سلوک خود عالی‌ترین آشنایی را با اهل‌البیت«علیهم‌السلام» پیدا کرده، پس به‌حمدالله قصه‌ی شما قصه‌ی رجوع کامل به حضرت سیدالشهداء«علیه‌السلام» است مواظب باشید جاده را گم نکنید. جاده‌ی روایت فتح به نور رسول خدا«صلواةالهل‌علیه‌وآله» ختم می‌شود. موفق باشید